

بی حجابی

آینده پژوهی و اهمیت آن از منظر دینی (۲)

سید عبدالمجید زواری

در شماری پیشین ضمن بیان اهمیت آینده پژوهی، وجوه تمایز آینده پژوهی دینی با انواع غربی آن به اجمال بیان شد. به طور کلی آینده نگری دینی را در دو سطح کلی می توان دسته بندی کرد:

سطح کلان

سطح خرد

الف - سطح کلان آینده نگری در ساحت دین

این امر در دو باور محوری تجلی یافته است:

فرجام هستی و اندیشه ی سرای دیگر

فرجام هستی که در فرهنگ قرآنی و فرهنگ عامه ی مردم با واژگانی چون معاد، قیامت، رستاخیز، آخرت، روز حشر، روز جزا، یوم الاخر، یوم الدین، یوم الحسره، طامه الکبری، یوم تبلی السرائر، عقی و مانند آن شناخته می شود، جایگاهی بلند در متون تفسیری، روایی، اخلاقی، کلامی و فلسفی به خود اختصاص داده است.

فرجام بشر و اندیشه ی تحقق جامعه آرمانی

دومین موضوعی که در گستره ی آموزه های دینی و در سطحی کلان نگاهی به آینده دارد، فرجام بشر و جوامع اسلامی است. گرچه دامنه ی فرجام بشر از منظر دین محدودتر از فرجام هستی است، اما از آنجا که ناظر به نقطه ی غایی و پایانی سیر همه ی جوامع بشری در همین دنیا است، می تواند به عنوان نمونه ای دیگر از آینده نگری در سطح کلان مورد توجه قرار گیرد. این انگاره که مورد توجه همه ی ادیان و مکاتب بشری و در پیوند با مهدویت قرار دارد، فرجامی نیکو برای جهان ترسیم کرده که هیچ تردیدی هم در تحقق آن وجود ندارد. مشهور است که پیامبر درباره ی فرجام بشر چنین فرموده اند:

اگر یک روز به پایان عمر دنیا باقی مانده باشد، خداوند تعالی مردی از خاندان مرا بر خواهد انگیزد تا جهان را سرشار از عدل کند.

موضوع مهدیت، که فرجام بشر را در آینده ای محتوم و قطعی ترسیم می کند، نوعی نگاه آینده نگر را در ذهن و جان پیروان خود می نشاند و بدین سان اندیشه ی مهدویت نیز تربیت کننده ی انسان های آینده نگر است.

ب - سطح خرد آینده نگری در ساحت دین

سطح دوم آینده نگری در آموزه های دینی سطح خرد است که به آینده ی نزدیک و معین و قابل پیش بینی فرد و گروه و جامعه مرتبط است. در این سطح، توصیه های عمومی مانند توصیه به تدبیر، دعا برای حسن عاقبت (عاقبت به خیری)، پرهیز از موجبات سوء عاقبت و تلاش برای حسن عاقبت، اندیشیدن درباره ی مرگ به عنوان پایان زندگی دنیایی انسان ها، اجل (مدت معین) داشتن هر چیز، پاداش زود هنگام و دنیوی برخی رفتارها مانند صلح رحم، و عقاب دنیوی برخی گناهان مانند خوردن مال حرام، اندیشیدن درباره ی سرانجام کارها، حبط اعمال، گذرا بودن جوانی، و ضرورت توجه به ایام پیری، وصیت کردن و مانند آن می تواند مورد توجه قرار گیرد. در فرصت های آتی بیش تر در این باره سخن خواهیم گفت.

● زنان اروپایی و چشم و گوش هایی که باز شدند!

اولین نشانه های کشف حجاب از دربار ناصرالدین شاه قاجار آغاز شد. مسافرت های شاه به اروپا و مشاهدات وی از وضعیت پوشش زنان اروپائی در انتقال فرهنگ آن دیار به کشور و در ابتدا به دربار دارالخلافه تأثیر به سزایی داشت. به تدریج موضوع کشف حجاب در قالب تجددخواهی به محافل روشنفکری و اشعار شعرا نفوذ کرد و در مطبوعات منعکس شد.

● ۱۳۰۷/نخستین زمزمه ها پیرامون قانون جدید

نخستین شایعات پیرامون قانون جدید هنگامی پیدا شد که رضاشاه تحت تأثیر اصلاحات دموکراتیک در افغانستان قرار گرفته بود و امان الله خان و ملکه ثریا، شاه و ملکه افغانستان در سال ۱۳۰۷ به ایران آمدند. ملکه افغانستان بی حجاب بود و جنالی در میان روحانیون برانگیخت. آنان از رضاشاه خواستند ملکه افغانستان را در ایران مجبور به داشتن حجاب کند که رضاشاه نپذیرفت. در همین زمان شایعاتی درباره تصویب قانون منع حجاب پخش شد.

● ۶ دی ۱۳۰۷/تصویب قانون اتحاد شکل البسه

برای رسمیت یافتن کشف حجاب، قانون اتحاد شکل البسه و تبدیل کلاه در چهار ماده و هشت تبصره در جلسه ۶ دی ۱۳۰۷ و در سومین سال پادشاهی رضاخان - دوره هفتم قانونگذاری مجلس شورای ملی - به تصویب رسید. گرچه بسیاری از روحانیون از جمله مراجع، ائمه جمعه، مفتی های اهل سنت و ... از این مقررات مستثنی شدند، اما اجرای این قانون با مقاومت گسترده ای در تهران و چند شهر دیگر روبرو شد و روحانیون نیز پیشتاز این مخالفان بودند.

● ۱۳۱۰/بازی مجلس در کنار رضا شاه

مجلس شورای ملی مجوز ورود هیأتی از سوی «جامعه ملل» را برای جلوگیری از آنچه که «تجاوز به حقوق زن در شرق» خوانده می شد، صادر کرد. در این سال به دستور رضاخان «زنان باید در برداشتن حجاب خود آزاد باشند و اگر فردی یا ملایی متعرض آنان شد، شهربانی باید از زنان بی حجاب حمایت کند.»

● ۱۳۱۱/بی حجابی مظهری از تمدن!

تشکیل «کنگره زنان شرق» در تهران و دعوت از زنان بی حجاب از سایر کشورها، از دیگر گام های رضاخان برای مبارزه با حجاب بانوان بود. در این کنگره که به ریاست «شمس پهلوی» برگزار شد، از بی حجابی به عنوان مظهری از تمدن یاد شد و در مورد آن تبلیغات فراوان به عمل آمد.

● خرداد ۱۳۱۳/رضا شاه: عقب مانده ایم

استفاده از مراکز تعلیم و تربیت و ایجاد مدارس آموزشی به سبک اروپا از دیگر عوامل زمینه ساز کشف حجاب در ایران عصر رضاخان بود. گرچه سابقه ایجاد این مدارس به دوره ناصرالدین شاه باز می گشت اما رضاخان در آستانه اعلام کشف حجاب، مشوق توسعه این مدارس بود. سفر رضاشاه به ترکیه در خرداد ۱۳۱۳ و مشاهدات وی از بی حجابی در آن